

اخلاق نوشتن

و پانزده مقاله دیگر
در باره نوشتن و ترجمه و ویرایش

حسین معصومی همدانی

www.ketab.ir



فرهنگ معاصر



فرهنگ معاصر

تهران، خیابان طالقانی غربی، خیابان فریمان، شماره ۲۸، کدپستی: ۱۴۱۶۸۶۴۱۸۲

تلفن: ۵-۶۶۹۵۲۶۳۲؛ واحد فروش: ۶۶۹۷۳۳۵۲؛ فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸

E-mail: farhangmoaserpub@gmail.com - Website: www.farhangmoaser.com



farhangmoaser



@farhangmoaaser

اخلاق نوشتن

و پانزده مقاله دیگر در باره نوشتن و ترجمه و ویرایش

حسین معصومی همدانی

حروف نگاری و صفحه آرایی:

واحد کامپیوتر فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۴۰۱ / تیراز: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده بازرگانی از این اثر اعم از زیر کس، الکترونیسی، ضبط کامپیوتری به صورت‌های مختلف از قبیل PDF، Online، چاپ صوتی و یا تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً قابل تعقیب قانونی است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار:

سرشناسه:	معصومی همدانی، حسین، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور:	اخلاق نوشتن و پانزده مقاله دیگر درباره نوشتن و ترجمه و ویرایش / حسین معصومی همدانی.
مشخصات نشر:	تهران: فرهنگ معاصر، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری:	۳۵۲ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:	Persian essays -- 20th century
موضوع:	ادبیات فارسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	Persian literature -- Addresses, Essays, Lectures
رده‌بندی کنگره:	PIR۳۶۱
رده‌بندی دیویی:	۸۴۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۸۹۳۸۵۲۷

ISBN: 978 - 600 - 105 - 262 - 0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۵-۲۶۲-۰۰

فهرست

۱	یادداشت نویسنده
۷	۱. فرهنگ
۹	فرهنگ چیست؟
۳۳	۲. نوشتن
۳۵	خواندن و نوشتن
۴۹	اخلاق نوشتن
۹۳	فساد زبانی
۱۱۳	در دشواری و ضرورت تألیف
۱۳۹	دفاع از ژورنالیسم فرهنگی
۱۵۷	۳. ترجمه
۱۵۹	واژه‌گزینی و استقلال زبان فارسی
۱۷۹	ترجمه متون علمی به زبان فارسی:
۲۰۱	ترجمه متون ریاضی و تأثیر آن بر زبان فارسی
۲۲۳	چند نکته درباره ترجمه متون فلسفی
۲۴۳	۴. ویرایش
۲۴۵	خط فارسی و رایانه

یادداشت نویسنده

در میان نویسندگان و پژوهشگران فرنگی معمول است که وقتی کتابی از مقالات خود فراهم می‌آورند یا ویراستاری مجموعه‌ای از مقالات را که در یک گردهمایی علمی عرضه شده است بر عهده می‌گیرند مقدمه‌ای بر آن می‌نویسند و در آن سعی می‌کنند میان مقالات آن کتاب یا مجموعه ربطی برقرار کنند و وحدتی را که خواننده نمی‌بیند پیش چشم او بیاورند. برای این کار معمولاً در آن مقدمه خلاصه‌ای از مقالات کتاب را می‌آورند و سعی می‌کنند بگویند که هر مقاله کجا و از راه طرح کدام مساله یا بیان کدام نظر با مقالات دیگر آن مجموعه پیوند می‌یابد. این رسم، که به کشور ما هم راه یافته، گاهی با توفیق همراه است اما غالباً نیست. دلیلش هم به نظر من ساده است: کتاب غیر از مقاله است و از مجموعه مقالات کتاب در نمی‌آید. کتاب وحدتی دارد که در مقاله نیست، زیرا مقاله، به‌ویژه هر چه تخصصی‌تر باشد، حتی وقتی در مجموعه‌ای منتشر شود، گذشته از مقالات آن مجموعه همیشه به بیرون از آن نیز ارجاع دارد، یعنی به مقالات دیگری که در همان موضوع نوشته شده است، و وقتی مقاله‌ای جزو کتابی می‌شود خواننده باید همچنان این ارجاع‌ها و ارتباط‌های بیرونی را در نظر داشته باشد و این کار برای خواننده غیرمتخصص دشوار و گاه ناممکن

است. از سوی دیگر می‌توان گفت که کتاب‌نویس هم، به دلالی که جای بحثش اینجا نیست، غیر از مقاله‌نویس است و من که با حسرت افول کتاب‌نویسی و رواج مقاله‌نویسی را نظاره می‌کنم باید اقرار کنم که بیشتر جزو مقاله‌نویسان هستم تا کتاب‌نویسان، گرچه خواندن کتاب را بر خواندن مقاله ترجیح می‌دهم. در این یادداشت نمی‌خواهم بگویم که چرا بیشتر مقاله می‌نویسم تا کتاب و چرا در حوزه‌های گوناگون مقاله می‌نویسم و چرا حالا به فکر افتاده‌ام، یا دوستان به این فکر انداخته‌اند، که مجموعه‌ای از مقالات خود، به صورت کتاب‌هایی مستقل که هر یک موضوعی خاص را در بر می‌گیرد، فراهم بیاورم. تنها عذری که برای این کار می‌توانم بیاورم این است که بسیاری از مقالات من تخصصی نیست و حتی در مقالاتی که تخصصی محسوب می‌شوند، جمع گسترده‌تری از خوانندگان را در نظر داشته‌ام.

مقاله‌های این کتاب، که قرار است جلد اول از این مجموعه باشد، در چهل و چند سال گذشته نوشته شده و بیشتر آنها در همان زمان نوشتن در مجله یا کتابی منتشر شده است. من در این یادداشت هیچ کوششی نمی‌کنم که میان مقالات این کتاب پیوندی برقرار کنم. این مقالات حتی حالا که به صورت کتاب منتشر می‌شوند همچنان مقاله‌اند، هر یک ساختار و زبان و هدف جداگانه‌ای دارد و در پی بیان مطلب یا مدعایی است که شاید با مطلب یا مدعای مقالات پس و پیش آن به‌کلی متفاوت باشد. از سوی دیگر، بسیاری از آنها در وبگاه‌های ویژه علوم انسانی در دسترس خوانندگان است. تنها چیزی که انتشار این نوشته‌ها را در یک کتاب توجیه می‌کند ربط موضوعات آنها با یکدیگر است. همه آنها با زبان، و به‌ویژه زبان فارسی، سروکار دارند و هر یک نظر نویسنده را در باره یکی

از وجوه و کاربردهای گوناگون زبان — خواندن، نوشتن، ترجمه و ویرایش — و مسائل و مشکلات آن بیان می کند و انتشار آنها در یک جا شاید بتواند دیدگاه کلی نویسنده را در این باره روشن تر نشان دهد. جز در موارد خطاهای آشکاری که تا حد امکان تصحیح شده اند، مقاله ها به همان صورت اصلی آمده اند و تنها کاری که کرده ام تا این مجموعه کمی هیأت کتاب پیدا کند این است که آنها را نه به ترتیب تاریخ نگارش بلکه بر حسب موضوع مرتب کرده ام. همه این نوشته ها تالیفی است، جز «فرهنگ چیست؟» و «سفر داوران» و «دعوا بر سر حق مؤلف». مقاله اول را به این دلیل در این مجموعه آورده ام که آن را مدخل مناسبی می دیدم بر مفهوم فرهنگ که در بسیاری از مقالات دیگر این مجموعه هم ظاهر می شود، به ویژه که زبان و شیوه غیر رسمی پرداختن نویسنده به این مفهوم را به شیوه خود نزدیک می دیدم. دو مقاله دیگر را به دلیل ارتباطی که با کار ویرایش دارند آورده ام. مقاله های دیگری هم بود که چون به نظرم تاریخ مصرفشان گذشته بود ترجیح دادم در این مجموعه نیایند. اگر خواننده ای خواستار آنها باشد می تواند به همان وبگاه ها و یا مجلات اصلی رجوع کند.

نمی خواهم و نمی توانم بگویم که حق مطلب در حوزه های چنین وسیع با این مقاله ها ادا شده اما می توانم بگویم که برخی از آنها در زمان خود باب بحث در باره موضوعی را گشوده اند که تا آن زمان از نظر دور بوده است و هنوز هم — بگذار حمل بر خودستایی شود! — نه تنها برای کسانی که به کار نوشتن و ترجمه و ویرایش اشتغال دارند خالی از حرف تازه نیست، بلکه خواننده ای هم که به سرنوشت زبان و فرهنگ خود علاقه داشته باشد شاید در این کتاب نکته هایی

بیابد که یا بدیهی انگاشته می‌شوند و یا در نوشته‌های تخصصی‌تر زیر آوار واژه‌ها و نظریه‌های گوناگون گم می‌شوند.

در این سال‌هایی که بر این مقالات می‌گذشته نظر من طبعاً در بسیاری از جزئیات تغییر می‌کرده و تفاوت‌هایی که خواننده گاه میان مطالب می‌بیند بازتاب این تغییرهاست، اما گمان می‌کنم که نظرم در کلیات و شیوه‌ام در پرداختن به موضوع ثابت مانده باشد و شاید همین رشته پیوندی باشد میان این مقالات که در ظاهر به موضوع‌های پراکنده‌ای می‌پردازند. همین پراکندگی گاهی سبب شده است موضوعی را که در مقاله‌ای بررسی شده در مقاله‌ای دیگر از سر بگیرم، اما امیدوارم که این گونه موارد نه خیلی زیاد باشد و نه تکرار صرفه.

این مقالات البته درباره زبان فارسی و مسایل و مشکلات آن است، اما کوشیده‌ام همه جا، چه در مقالات جدی‌تری که گاهی یک وجه نظری هم دارند و چه در آنجا که به اقتضای مقام به طنز روی آورده‌ام، موضوع را از دریچه ارتباط آن با تاریخ و فرهنگ بنگرم، آن هم نه تنها تاریخ و فرهنگی که در مدرسه فرا می‌گیریم و در کتاب‌ها می‌خوانیم، بلکه فرهنگی که در دل آن زندگی می‌کنیم و تعارض‌ها و ناهماهنگی‌ها و ناهمزمانی‌هایش را با همه وجود حس می‌کنیم و تاریخی که یکی از حساس‌ترین دوره‌هایش را از سر می‌گذرانیم. نوشته هر کس، اگر نویسنده تنها راوی اندیشه‌ها و گفته‌های دیگران نباشد یا خود را سخنگوی حقیقت مطلق که در جایی بیرون از وجود او به دست آمده نداند، بازتاب زندگی و زمان اوست و ناگزیر از تجربه‌های شخصی او مایه می‌گیرد، حتی اگر میان موضوع نوشته و مسایل حادث زمان او رابطه آشکاری نباشد.